

دفتربه سؤال



سوم و چهارم دبستان

۵ آبان ۱۴۰۲



خوالدن برای فهمیدن
زمان کل آزمون: ۹۰ دقیقه



مستندسازی ویراستاران	مستندسازی مسئول درس	ویراستار آزمون	مسئول درس و طراح سؤال	گزینشگران و ویراستاران
الناز معتمدی، مائده بهادری	فریبا رئوفی	امیرحسین چمنی راد	سهیلا چهره نگار	

علی مرشد

مدیر تولید آزمون

امیرحسین چمنی راد

مسئول دفتربه ای آزمون

فرناز براتی پور فرد

گرافست

زهرا سلطانی

امور کامپیوتری و صفحه آرا

محیا اصغری

مدیر گروه مستندسازی

فریبا رئوفی

مسئول دفتربه ای مستندسازی

حمید عباسی

ناظر چاپ

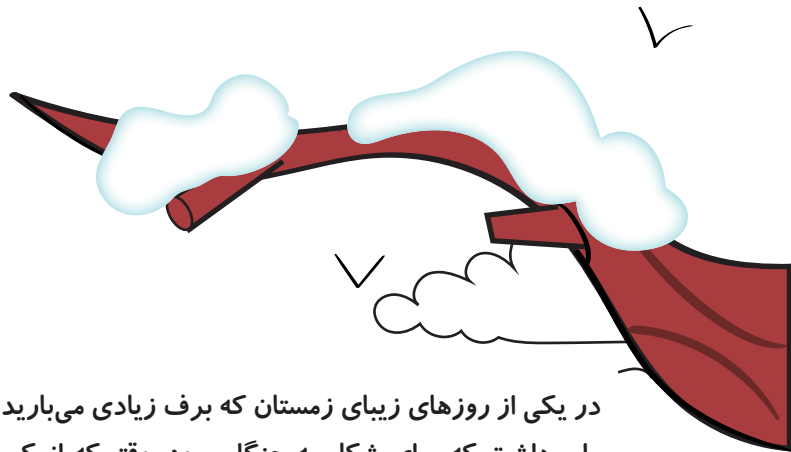
گروه فنی تولید



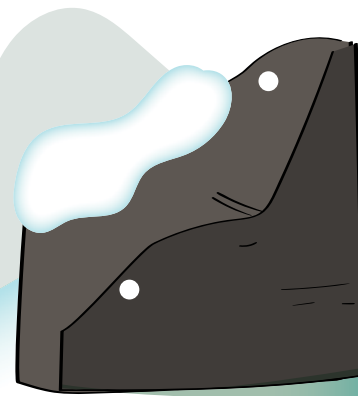


خواندن برای فهمیدن

شکارچی شجاع



در یکی از روزهای زیبای زمستان که برف زیادی می‌بارید و صحرا پوشانده شده بود، شکارچی شجاع تفنگ و دامش را برداشت که برای شکار به جنگل برود. وقتی که از کوچه‌های ده می‌گذشت، بچه‌ها او را به هم نشان می‌دادند و می‌گفتند: «شکارچی شجاع حتماً امروز هم دست خالی از جنگل بر نمی‌گردد.» وقتی که شکارچی به جنگل رسید، دامش را طوری پای درختی پهن کرد که محال بود حیوانی آن را ببیند. بعد تفنگش را برداشت و به راه افتاد. شکارچی تمام روز در جنگل گشت ولی حیوانی پیدا نکرد که شکار کند.

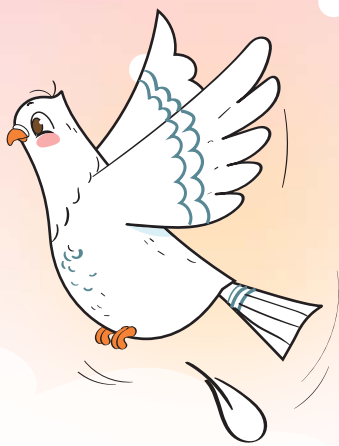




خسته و ناامید برگشت و به سراغ دام آمد. کبوتر سفید رنگی در دام بال و پر می زد. شکارچی کبوتر را گرفت و از دام بیرون آورد. کبوتر مانند برف سفید و درخشان بود. چشم شکارچی به چشم کبوتر افتاد. نگاه کبوتر روشن و پاک بود. مثل این بود که با نگاهش می گفت مرا آزاد کن. شکارچی با خودش فکر کرد من که امروز چیزی شکار نکرده ام، پس این کبوتر کوچک هم ارزش بردن ندارد.



خواندن برای فهمیدن



نگاهی به کیوتر کرد و آن را آزاد کرد. کیوتر در آسمان نارنجی‌رنگ غروب پرواز کرد و رفت. شکارچی شجاع به دهکده بازگشت. این نخستین بار بود که دست خالی از جنگل برمی‌گشت.



صبح روز بعد شکارچی دوباره برای شکار به جنگل رفت. از اولین پیچ جنگل که گذشت، چشمش به یک آهو افتاد. تا خواست دست به تفنگ ببرد، آهو به زبان آمد و گفت: «شکارچی شجاع، با من بیا» و دوان دوان دور شد. شکارچی دنبال آهو به راه افتاد. رفتند و رفتند تا در دل جنگل به درخت خیلی بزرگی رسیدند. زیر آن درخت همه‌ی حیوان‌های جنگل دور هم جمع شده بودند. در میان پرندگانی که بر شاخه‌ی درخت نشسته بودند، کبوتر سفیدی دیده می‌شد. شکارچی با یک نگاه کبوتر را شناخت. همان کبوتری بود که دیروز در دام افتاده بود. تا حیوان‌های جنگل شکارچی و آهو را دیدند، ساکت شدند و به شکارچی سلام کردند. از او خواستند که نترسد و پیش آن‌ها بنشیند.





شیر با آن یال و کوپالش رو به شکارچی کرد و گفت: «شکارچی شجاع خوش آمدی! تو دیروز قشنگ‌ترین پرنده‌ی جنگل را آزاد کردی و دست خالی به خانه رفتی. حالا ما می‌خواهیم به پاداش کار خوبی که کرده‌ای به تو هدیه‌ای بدهیم. من می‌توانم شجاعتم را به تو بدهم.» حیوان‌های جنگل همه با هم گفتند: «شجاعت تو به چه دردش می‌خورد. مگر نشنیده‌ای که اسمش «شکارچی شجاع» است. او حتی از تو هم شجاع‌تر است.» روباه گفت: «من هوشم را به او می‌دهم.» باز همه‌ی حیوان‌های جنگل گفتند: «هوش تو به چه دردش می‌خورد. معلوم است تو هرگز در دام او اسیر نشده‌ای. او حتی از تو هم باهوش‌تر است.»

طاووس گفت: «شکارچی شجاع، زیبایی مرا بگیر.» همه‌ی حیوانات گفتند: «زیبایی تو به چه درد این مرد شجاع و باهوش می‌خورد.» مدتی همه ساکت ماندند و نمی‌دانستند چه بگویند. آن وقت عقاب گفت: «شکارچی باید چشمی تیزبین داشته باشد تا همه جای جنگل را خوب ببیند، من تیزبینی چشم‌هایم را به او می‌دهم.» هنوز حرف عقاب تمام نشده بود که سگی وحشی گفت: «من هم به او می‌آموزم که چگونه از بوی هر حیوانی جای آن را پیدا کند.» در همین وقت گربه‌ی وحشی به صدا در آمد و گفت: «من هم شنوایی گوش خود را به او می‌دهم تا آهسته‌ترین صداها را هم بشنود.» شیر گفت: «درست می‌گویید، برای یک شکارچی همه‌ی این چیزها لازم است.» شکارچی از هدیه‌هایی که به او داده بودند تشکر کرد و به دهکده بازگشت.



روز بعد، باز هم شکارچی به دنبال شکار رفت. از اولین پیچ جنگل که گذشت، جنگل به نظر او طور دیگری آمد. صداهایی شنید که تا آن وقت هرگز نشنیده بود. چیزهایی دید که تا آن وقت هرگز ندیده بود. بوهایی حس کرد که تا آن وقت هرگز به دماغش نخورده بود.

در دل جنگل، گنجشکی به بچه‌هایش پرواز کردن یاد می‌داد. آن طرف‌تر بچه شیری با یال‌های مادرش بازی می‌کرد. از تپه‌ای ببر جوانی آهسته آهسته با زیبایی باورنکردنی‌ای بالا می‌رفت.





خواندن برای فهمیدن



شکارچی حالا حتی پنهانی‌ترین نقطه‌ی جنگل را می‌دید. می‌دید که حیوان‌ها چقدر زیبا هستند. یادش آمد که چطور همیشه او به وسیله‌ی دام، آن‌ها را اسیر می‌کرد و زندگی خوش آن‌ها را به هم می‌زد. صدای جنگل را می‌شنید که پر از هیاهوی شادی‌بخش پرندگان و حیوان‌های جنگل بود. یادش آمد که چطور صدای تیر تفنگ او این صداها را خاموش می‌کرد. مدتی ساکت ایستاد. همه‌چیز را نگاه کرد. به هر صدایی گوش داد. بعد از راهی که آمده بود، برگشت. دامش را پاره کرد. تفنگش را شکست. در دل جنگل کلبه‌ای ساخت و همان‌جا خانه کرد. از آن روز به بعد دیگر او شکارچی شجاع جنگل نبود، بلکه نگهبان شجاع جنگل بود.



۱. کدام گزینه نا درست است؟

- (۱) زمان داستان، فصل زمستان است.
 - (۲) مکان داستان، ده و جنگل است.
 - (۳) از شخصیت‌های داستان می‌توان شکارچی، کبوتر، لاک‌پشت و شیر را نام برد.
 - (۴) نتیجه‌ی داستان این است که باید با حیوانات مهربان باشیم.
۲. باتوجه به داستان، کدام ویژگی جزو ویژگی‌هایی است که شکارچی به آن نیاز دارد، نبود؟

- (۱) تیزی
- (۲) زیبایی
- (۳) قدرت بویایی
- (۴) قدرت شنوایی

۳. مطابق با داستان، چرا شکارچی در روز اول دست خالی برگشت؟

- (۱) زیرا تنها یک کبوتر به دام انداخته بود و به نظرش ارزش بردن نداشت.
- (۲) زیرا تفنگ او خراب شده بود.
- (۳) زیرا می‌خواست حیوانات را راضی کند تا به او هدیه بدهند.
- (۴) زیرا از شکارکردن پشیمان شده بود و می‌خواست با حیوانات مهربان باشد.

۴. باتوجه به داستان، قشنگ‌ترین پرنده‌ی جنگل کدام گزینه بود؟

- | | |
|-----------|----------------|
| (۱) طاووس | (۲) کبوتر سفید |
| (۳) عقاب | (۴) گنجشک |

۵. کدام حیوان به دنبال شکارچی آمد تا او را پیش حیوانات دیگر ببرد؟

- | | |
|---------|----------------|
| (۱) آهو | (۲) روباه |
| (۳) شیر | (۴) کبوتر سفید |

۶. چرا شکارچی شجاع به نگهبان شجاع جنگل تبدیل شد؟

- (۱) زیرا دیگر نمی‌توانست به خوبی قبل شکار کند.
- (۲) زیرا می‌خواست به کبوتر کمک کند.
- (۳) زیرا حیوانات جنگل از او خواستند که دیگر شکار نکند.
- (۴) زیرا فهمید شکار کردن او زیبایی و آرامش جنگل را بر هم می‌زند.

۷. هدیه‌ی کدام حیوان باعث شده بود که شکارچی بتواند پنهانی‌ترین نقطه‌ی جنگل را ببیند؟

- | | | | |
|----------|-----------|--------|----------|
| (۱) عقاب | (۲) روباه | (۳) سگ | (۴) گربه |
|----------|-----------|--------|----------|



۸. اگر بخواهیم جملات زیر را مطابق با داستان مرتب کنیم، کدام گزینه از راست به چپ این ترتیب را به درستی نشان می‌دهد؟

الف: وقتی که از کوچ‌های ده می‌گذشت، بچه‌ها او را به هم نشان می‌دادند.

ب: مدتی همه ساکت ماندند و نمی‌دانستند که چه بگویند.

ج: از اولین پیچ جنگل که گذشت، چشمش به یک آهو افتاد.

د: زیر آن درخت، همه‌ی حیوان‌های جنگل دور هم جمع شده بودند.

۱) الف - ج - د - ب

۲) ب - الف - د - ج

۳) ب - الف - ج - د

۴) الف - د - ج - ب

۹. روباه می‌خواست چه هدیه‌ای به شکارچی بدهد و چرا حیوانات دیگر با هدیه‌اش موافقت **نکردند**؟

۱) هوش، زیرا هوش روباه با فریب و بدکاری همراه بود و به درد شکارچی نمی‌خورد.

۲) هوش، زیرا خود شکارچی از روباه باهوش‌تر بود و هوش روباه را نیاز نداشت.

۳) شجاعت، زیرا شجاعت روباه واقعی نبود.

۴) شجاعت، زیرا خود شکارچی شجاع بود و به شجاعت روباه نیاز نداشت.

۱۰. قدرت کدام حیوانات برای شکارچی مفید بود؟

۱) شیر، طاووس، گربه

۲) شیر، سگ، عقاب

۳) سگ، عقاب، گربه

۴) طاووس، روباه، سگ

۱۱. عبارت زیر، دارای چند جمله است؟

«وقتی که شکارچی به جنگل رسید، دامش را طوری پای درختی پهن کرد که محال بود حیوانی آن را ببیند.»

۱) یک

۲) دو

۳) سه

۴) چهار

۱۲. صفت کلمه ای است که در مورد اسم قبل از خود توضیح می‌دهد. برای مثال در کلمه‌ی «دختر خوب» خوب

صفتی برای دختر است. باتوجه به این توضیحات، کدام کلمه در عبارت زیر صفت **نیست**؟

«در یکی از روزهای زیبای زمستان که برف زیادی می‌بارید و صحرا پوشانده شده بود، شکارچی شجاع تفنگ و

دامش را برداشت که برای شکار به جنگل برود.»

۱) زیبا

۲) زیاد

۳) صحرا

۴) شجاع

۱۳. متضاد کدام واژه، در متن زیر دیده **نمی‌شود**؟

«رفتند و رفتند تا در دل جنگل به درخت خیلی بزرگی رسیدند. زیر آن درخت همه‌ی حیوان‌های جنگل دور هم

جمع شده بودند.»

۱) کوچک

۲) رو

۳) هیچ

۴) نزدیک

۱۴. با توجه به متن زیر، بهترین معنا برای کلمه‌ی «هياهو» کدام واژه است؟

«جنگل را می‌شنید که پر از هياهو شادی‌بخش پرندگان و حیوان‌های جنگل بود.»

۱) ناله و زاری

۲) آواز و صدا

۳) آرامش

۴) سکوت

۱۵. در کدام گزینه چیزی به چیز دیگر مانند (تشبیه) شده است؟

۱) شکارچی شجاع حتماً امروز هم دست خالی از جنگل برنمی‌گردد.

۲) کبوتر مانند برف سفید و درخشان بود.

۳) در دل جنگل، گنجشکی به بچه‌هایش پرواز کردن یاد می‌داد.

۴) می‌دید که حیوان‌ها چقدر زیبا هستند.

چشم انسان

خواندن برای فهمیدن

هریک از اجزای بدن ما به دلیل کاربردی که دارند، بسیار مهم هستند. چشم انسان متشکل از اجزا و بخش‌های بسیار زیادی می‌باشد. واقعاً بسیار مشکل است که تمامی بخش‌ها و پیچیدگی‌های چشم انسان را بشناسیم و فقط متخصصان این حیطه می‌توانند ساختار کامل آن را درک نمایند. چشم انسان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین اندام‌های حسی است که تمامی افراد از آن برخوردار هستند. چشم انسان اندامی است که از بیش از ۲ میلیون قطعه ساخته شده و همچنین دروازه‌ی ورود به یکی از حواس پنجگانه‌ی ما به نام بینایی است که به وسیله‌ی این اندام مهم قادر به تجسم اشیا و همچنین درک نور، رنگ و عمق اجسام مختلف هستیم. یک چشم طبیعی انسان می‌تواند حدود ۱۰ میلیون رنگ مختلف را ببیند.



* چشم انسان یک جزء بسیار قدرتمند از بدن انسان می‌باشد.

چشم‌ها به اندازه‌ی مغز و قلب می‌توانند مفید باشند. این بدان معنی است که چشم در بین مهم‌ترین و قوی‌ترین ارگان‌های ما قرار می‌گیرد. اگر بگوییم چشم‌ها از لحاظ قدرت بعد از مغز در رده‌ی دوم قرار می‌گیرند، بیهوده نگفته‌ایم.

* بینایی و مغز

حقیقت این است که آن چیزی را که ما می‌بینیم، چشم نمی‌بیند و بلکه مغز ما است که آن را می‌بیند. چشم در حقیقت یک وسیله‌ی عبوردهنده‌ی اطلاعات به مغز از طریق حسگرهای موجود در درون خود به بخشی از مغز است که وظیفه‌ی آن تحلیل داده‌ها و به وجود آوردن تصویری است که ما می‌بینیم.

* چشم‌ها ۲۴ ساعته کار می‌کنند

این یک عقیده‌ی رایجی است که مغز انسان در بیست و چهار ساعت به صورت مستمر کار می‌کند، اما باید بگوییم که مغز در طول این ساعات تنها نیست و چشم‌ها نیز به همین میزان فعالیت دارند. شاید تصور بر این باشد که هنگام خواب چشم‌ها در حال استراحت هستند اما این صحیح نیست. سلول‌های چشم به صورت مستمر چه در خواب و چه در بیداری کار می‌کنند. پس چشم‌ها هرگز استراحت نمی‌کنند و از کار نمی‌ایستند حتی زمانی که شما در حال خواب هستید.

* وزن چشم‌ها

تخمین زده می‌شود که وزن چشم‌ها حدود ۲۷ گرم می‌باشد. تخمین وزن چشم تمامی انسان‌ها طبیعتاً کار دشواری است اما میانگین وزن آن همین عدد گزارش شده است. چشم ما بین ارگان‌های سبک بدن نیز مهم‌ترین به‌شمار می‌آید.



خواندن برای فهمیدن

* انطباق پذیری اتوماتیک چشم‌ها

عجیب‌ترین چیزی که در فرآیند عملکرد چشم‌ها وجود دارد، آن است که چشم‌ها بدون دریافت پیامی از مغز می‌توانند به صورت اتوماتیک کار کنند و این مساله فقط و فقط در چشم‌ها اتفاق می‌افتد. معمولاً تمامی اجزای دیگر بدن در سرما و گرما، خود را بر اساس پیام‌های دریافتی از مغز منطبق می‌سازند، اما چشم‌های انسان در شرایط وجود نور یا عدم آن به صورت خودکار ساینز مردمک خود را تغییر می‌دهد. این کار در زمانی بسیار سریع و بدون دریافت هیچ پیامی از مغز اتفاق می‌افتد.

* بلوغ چشم در ۷ سالگی

در سن ۷ سالگی، رشد و تکامل چشم انسان کامل می‌شود. به همین دلیل است که باید بیماری‌هایی همچون تنبلی چشم قبل از سن ۷ سالگی شناسایی و درمان شوند. پس از رسیدن به این سن و بلوغ کامل چشمی، هر مقدار درمان نیز مؤثر نخواهد بود.

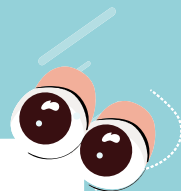
* ۵ هزار بار پلک زدن در روز

پلک‌زدن اقدامی است که در طول روز بارها و بارها به صورت آگاهانه و یا بی‌اراده توسط انسان صورت می‌گیرد. دانشمندان معتقد هستند که انسان در طول روز حدود ۱۵ هزار بار پلک می‌زند. این اقدام از آن جهت بسیار مهم است که در هر پلک‌زدن سطح چشم شما ضد عفونی شده و عوامل بیماری‌زایی که ممکن است بر روی سطح چشم شما وجود داشته باشند، از بین می‌روند.

* جنس اشک

آیا می‌دانید که اشک انسان از چه چیزی درست شده است؟ در حقیقت اشک انسان از ترکیب ۳ ماده‌ی آب، چربی و مخاط تشکیل شده است و همچنین دارای مواد ضد عفونی‌کننده نیز است. در صورتی که بدن انسان هرکدام از این سه ماده را کم داشته باشد، بدن ناچار است با فشار به سایر بخش‌ها این مواد را تولید کرده و اشک که محصول نهایی ترکیب آن‌ها است را تولید کند. در غیر این صورت، چشم انسان خشک شده و از بین می‌رود.





۱۶. به وسیله‌ی چشم کدام یک از موارد زیر را می‌توان درک کرد؟
 (۱) تجسم اشیا (۲) درک نور (۳) درک رنگ (۴) همه‌ی موارد
۱۷. باتوجه به متن، کدام عضو بدن از لحاظ قدرت در جایگاه نخست قرار دارد؟
 (۱) مغز (۲) چشم (۳) قلب (۴) گوش
۱۸. مطابق با متن، کدام اعضای بدن در طول شبانه روز به طور دائم مشغول کار هستند؟
 (۱) مغز (۲) گوش (۳) چشم (۴) گزینه‌های «۱» و «۳»
۱۹. کدام گزینه در مورد وزن چشم **نادرست** است؟
 (۱) میانگین وزن چشم‌ها حدوداً ۲۷ گرم است.
 (۲) تخمین وزن چشم تمام انسان‌ها برای دانشمندان آسان است.
 (۳) چشم ما بین ارگان‌های سبک بدن نیز مهم‌ترین به‌شمار می‌آید.
 (۴) یک چشم طبیعی انسان می‌تواند حدود ۱۰ میلیون رنگ مختلف را ببیند.
۲۰. مطابق با متن، کدام گزینه جزو عجیب‌ترین ویژگی‌های چشم است؟
 (۱) فعالیت چشم در خواب
 (۲) تکمیل‌شدن رشد چشم تا ۷ سالگی
 (۳) کارکردن چشم‌ها بدون دریافت پیامی از مغز
 (۴) وزن سبک چشم
۲۱. باتوجه به متن، تعداد قطعات چشم انسان می‌تواند کدام یک از اعداد گفته‌شده در گزینه‌ها باشد؟
 (۱) یک میلیون قطعه (۲) دو میلیون قطعه
 (۳) هزار قطعه (۴) دو میلیون و صد قطعه
۲۲. کدام گزینه در مورد اشک چشم **نادرست** است؟
 (۱) اشک از آب، چربی و مخاط تشکیل شده است.
 (۲) اشک دارای مواد ضد عفونی‌کننده است.
 (۳) اگر بدن انسان مواد تولید اشک را کم داشته باشد، اشک تولید نمی‌شود.
 (۴) در صورت نبود اشک، چشم خشک می‌شود و از بین می‌رود.
۲۳. چشم هنگام وجود نور یا عدم وجود نور چگونه عمل می‌کند؟
 (۱) به‌صورت خودکار سائز مردمک خود را تغییر می‌دهد.
 (۲) با دریافت پیام از مغز سائز مردمک خود را تغییر می‌دهد.
 (۳) به صورت خودکار خود را با محیط منطبق می‌کند.
 (۴) گزینه‌های «۱» و «۳» صحیح هستند.
۲۴. در کدام یک از زمان‌های زیر، درمان تنبلی چشم مؤثر **نخواهد** بود؟
 (۱) ۶ سالگی (۲) ۸ سالگی
 (۳) ۵ سالگی (۴) ۴ سالگی



۲۵. شباهت بین اشک و پلک زدن چیست؟

- (۱) هر دو مانع خشکی چشم می‌شوند.
- (۲) از جمله مواد تشکیل‌دهنده‌ی هر دو چربی است.
- (۳) هر دو باعث ضد عفونی شدن چشم می‌شود.
- (۴) هر دو در طول روز بارها و بارها اتفاق می‌افتد.

۲۶. با توجه به مفهوم جمله‌ی زیر، واژه‌ی «مستمر» به کدام معناست؟

«سلول‌های چشم به صورت مستمر چه در خواب و چه در بیداری کار می‌کنند. پس چشم‌ها هرگز استراحت نمی‌کنند و از کار نمی‌ایستند.»

- (۱) با فاصله‌ی کم
- (۲) همیشگی
- (۳) به خوبی
- (۴) ناگهانی

۲۷. در متن زیر، چند واژه‌ی جمع وجود دارد؟

«چشم در حقیقت یک وسیله‌ی عبور دهنده‌ی اطلاعات به مغز از طریق حسگرهای موجود در درون خود به بخشی از مغز است که وظیفه‌ی آن تحلیل داده‌ها و به وجود آوردن تصویری است که ما می‌بینیم.»

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۲۸. علامت نگارشی پایان کدام جمله متفاوت است؟

- (۱) چشم‌ها به اندازه‌ی مغز و قلب می‌توانند مفید باشند
- (۲) این کار در زمانی بسیار سریع و بدون دریافت هیچ پیامی از مغز اتفاق می‌افتد
- (۳) آیا می‌دانید که اشک انسان از چه چیزی درست شده است
- (۴) پلک زدن اقدامی است که در طول روز بارها و بارها به صورت آگاهانه و یا بی‌اراده توسط انسان صورت می‌گیرد

۲۹. در متن زیر، معنای عبارت «تخمین زده می‌شود» چیست؟

- «تخمین زده می‌شود که وزن چشم‌ها حدود ۲۷ گرم می‌باشد»
- (۱) تقریبی محاسبه می‌شود
 - (۲) پیش‌بینی می‌شود
 - (۳) حدس زده می‌شود
 - (۴) همه‌ی موارد

۳۰. عبارت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

«این یک عقیده‌ی رایجی است که مغز انسان در بیست و چهار ساعت به صورت مستمر کار می‌کند، اما باید بگوییم که مغز در طول این ساعات تنها نیست و چشم‌ها نیز به همین میزان فعالیت دارند.»

- (۱) ۳ جمله
- (۲) ۵ جمله
- (۳) ۶ جمله
- (۴) ۷ جمله